

## «جاسوس» یعنی کیم فیلیپ<sup>۱</sup> نه جهاننگلو

عبدالله شهبازی

رامین جهاننگلو روشنفکر برجسته‌ای نبود. فیلسوف و متفکر هم نبود. به همین دلیل حتی دانشگاه تورنتو او را استخدام نکرد. به صورت پاره وقت در دپارتمان علوم سیاسی این دانشگاه درس می‌داد. در دانشگاه فوق می‌گفتند کتاب‌هایش کار آکادمیک نیست؛ گفتگو با این و آن است که کار علمی به‌شمار نمی‌رود. روشنفکری متوسط، و البته زرنگ، بود از خانواده‌ای مرفه که به دلیل گفتگو با متفکران بزرگ جهان کتاب‌هایی تألیف کرد و، البته به لطف مسئولان وقت روزنامه همشهری و نشر فرزانه روز، در ایران شناخته شد. (اولین مصاحبه‌هایش در همشهری چاپ شد. قبل از آن کسی جهاننگلو را نمی‌شناخت.) جهاننگلو شاید مصاحبه‌گر خوبی بود که در این هم تردید است. اگر مایه بیشتری داشت، می‌توانست وارد مباحث عمیق نظری شود که نمی‌شد؛ یعنی توانش را نداشت. اگر بخواهم مقایسه کنم، از نظر مایه علمی، مصاحبه‌های جهاننگلو در حوزه فلسفه و اندیشه سیاسی شبیه است به مصاحبه‌های حیب لاجوردی و دستیارانش با رجال سیاسی دوران پهلوی در حوزه تاریخنگاری. ولی ارتباطات گسترده جهاننگلو با آدم‌های مهم اهمیت

---

۱. کیم فیلیپ (متولد ۱۹۱۲) چهره برجسته اطلاعاتی بریتانیا که از بنیانگذاران سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) بود و سال‌ها در مقام رابط میان اینتلینجنس سرویس بریتانیا و سیا کار کرد. از معدود کسانی بود که در فهرست نامزدان ریاست ام. آی. ۶ جای داشت. در سال ۱۹۶۳ به اتحاد شوروی پناهنده شد و در سال ۱۹۶۸ خاطراتش را با عنوان جنگ خاموش من منتشر کرد. فاش شد که در سال ۱۹۳۳ در دانشگاه کمبریج به کمونیسم گرویده و با انگیزه‌های اعتقادی در سرویس اطلاعاتی بریتانیا نفوذ کرده است. در سحرگاه ۱۱ مه ۱۹۸۸ در مسکو فوت کرد. کیم فیلیپ به عنوان برجسته‌ترین جاسوس سده بیستم میلادی شناخته می‌شود.

داشت. احسان یارشاطر در دانشگاه هاروارد و سید حسین نصر در دانشگاه جرج واشنگتن برایش اسکولارشیپ گرفتند. می‌توانست در آنجاها کار علمی درخوری ارائه دهد و به دلیل برخورداری از شبکه گسترده ارتباطی‌اش کاره‌ای شود که نشد. حالا بخوانید این ارزیابی دانشنامه ویکی‌پدیا از او را پس از بازداشتش: «دکتر رامین جهاننگلو استاد دانشگاه و فلسفه‌دان سیاسی ایرانی... یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های جنبش روشنفکری ایران به‌شمار می‌رود، در شناساندن فلسفه غرب به ایرانیان نقش به‌سزایی ایفا کرده است.»<sup>2</sup>

فکر می‌کنم در سال ۱۳۷۱ یا ۱۳۷۲ بود که یک مؤسسه انگلیسی، به دلیل همان ارتباطات، از جهاننگلو تعریف اغراق‌آمیز کرد و فرج سرکوهی برآشفت. سرکوهی در آدینه مطلبی نوشت با این مضمون که قدرت‌های بزرگ گاهی برای تحقق اهداف خود بعضی آدم‌ها را بزرگ می‌کنند و بعد که اهداف‌شان برآورده شد رهایشان می‌کنند. سرکوهی اگر در زندگی پیشگویی درستی کرده باشد همین یک مورد است.

گفتم که جهاننگلو با «بیگانگان» ارتباطات فراوان داشت و این مسئله پنهان نبود. از میان این ارتباطات می‌توان برایش پرونده «ارتباط با بیگانگان» ساخت؛ ولی جهاننگلو «جاسوس» نبود. جاسوس به کسی می‌گویند که در جاهای مهم نفوذ می‌کند؛ اطلاعات کسب می‌کند یا خرابکاری می‌کند. جاسوس یعنی کیم فیلیپ نه جهاننگلو. حوزه کارش، فلسفه و اندیشه سیاسی، نیز به «جاسوسی» نمی‌خورد. کسانی را می‌شناسم که در مسیر هوایی ایران-لندن در پرواز دائم‌اند، در آکسفورد اسکولارشیپ می‌دهند، نخبگان برجسته را از دانشگاه امام صادق (ع) و جاهای دیگر «شکار» می‌کنند، با بعضی از آدم‌های مهم این مملکت رفیق‌اند، دکتر می‌دهند و «اطلاعات» می‌گیرند، سابقه خانوادگی‌شان هم به «جاسوسی» می‌خورد؛ ولی کسی کاری به کارشان ندارد.

جهاننگلو یا «بیچاره» است یا «خوش شانس». اگر در ذیل تاریخ مرگ جهاننگلو در ویکی‌پدیا، که برایش خالی نگه داشته شده، «۱۳۸۵» درج شود قربانی است و بیچاره. پیشگویی آقای فرج سرکوهی کامل می‌شود. اگر «۱۴۱۵» ذکر شود خوش شانس است زیرا در آستانه پنجاه سالگی بدون هیچ زحمتی تبدیل شد به چهره‌ای جهانی و سی سال دیگر از موهبت این شهرت بهره‌مند خواهد بود. کرسی هاروارد هم پیشکش خواهد بود. در زمانی که نئوکان‌ها در تدارک تهاجم نظامی به ایران هستند، لشکرکشی خود را در جبهه‌های اطلاعاتی و تبلیغاتی و فرهنگی آغاز کرده‌اند و می‌کوشند هم دولت‌ها و کانون‌های سیاسی و هم محافل روشنفکری دنیای غرب را با خود همراه کنند، چرا بناگاه باید از یک روشنفکر متوسط ایرانی شخصیتی جهانی ساخته شود و گروهی از

---

2. <http://fa.wikipedia.org/wiki/جهاننگلو> رامین\_جهاننگلو

برجسته‌ترین متفکران جهان امروز را، که بسیاری از آن‌ها در زمره منتقدان نئوکان‌ها و دولت بوش هستند و بعضی از آن‌ها چون چامسکی به ایران نظر مثبت دارند، علیه ایران تحریک کند؟ حتی اگر جهان‌نگلو واقعاً «جاسوس» بود دستگیری او اهمیت و ضرورت نداشت. موج گسترده پس از دستگیری او برای تحریک روشنفکران برجسته جهان علیه ایران کاملاً قابل پیش‌بینی بود. مگر در عرف سازمان‌های اطلاعاتی هر جاسوسی را دستگیر می‌کنند؟ من بازداشت جهان‌نگلو را محکوم می‌کنم زیرا آن را دستمایه‌ای برای تحریکات نئوکان‌ها علیه ایران اسلامی می‌دانم.

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ / ۲۰ مه ۲۰۰۶